

حق نمک باید اداء گردد!

آقای امین ارسلا، یکی از نامزدان ریاست جمهوری کشور در سال 1993، گفته است که در تاریخ افغانستان این اولین باری خواهد بود که یک رئیس جمهور به طور دموکراتیک آن به خواست مردم عوض می شود. او همچنین به این نظر است که حامد کرزی شخصی است که خود این وضعیت را برای مردم به بار آورده است و فکر می کند این امر افتخاری بزرگ برای شخص رئیس جمهور می باشد.

آقای ارسلائی را همه می شناسند. او زمانی زیادی است که در کنار کرزی قرار دارد و از امتیازات کرسی های بالائی مستفید شده است. از چنین شخصی چنین حرفی زیاد تعجب برانگیز نیست.

در کشور ما از این گونه افراد زیاد پیدا می شود که حقایق را، هرچند بزرگ ترین وظیفه و وجبیه ملی - دینی آن ها باشد، به دلیل ادای دین و ادای حق نمک در پوشش سخنان نادرست به مردم عرضه می کنند.

کرزی مطابق قانون فقط دو دوره حق ریاست را داشت. این قانون در زیر سایه موجودیت عساکر کشورهای غربی که همه معتقد به دموکراسی و رعایت قانون انتخابات هستند، بوجود آمده است. عساکر این کشور ها هنوز هم در افغانستان حضور دارند. بناءً به نظر من، و به نظر خیلی ها، برای کرزی راه دیگری باقی نمانده بود، غیر از این که مانند یک پسر خوب و باهوش، در موقع لازم راه اش را بگیرد و پس کارش برود. هر عملی غیر از آن چه او کرد، نه تنها برای غربی ها قابل قبول نبود، که برای مردم ما که از یک طرف به آگاهی سیاسی نسبتاً بالای رسیده اند و از جانبی از فساد، مصلحت گرایی، وعده های میان تهی، حمایت از قانون شکنان، غرور بی حد و خود سری های کرزی به عذاب رسیده بودند، غیر قابل تحمل شده بود.

خود کرزی هم این را می دانست. به صفحات اینترنتی، روزنامه ها، جرائد و به تلویزیون های غیر دولتی نگاه کنید. به استثنای یک یا دو شخص و یک یا دو صفحه اینترنتی یا تلویزیون همه از او و از عمل کرد های بیشتر از دوازده سال وی انتقاد و شکایت دارند.

تمام کار های که طی سالیان زمامداری وی انجام شده است، یا تشبثات شخصی بوده است یا برنامه هایی که کشورهای غربی آن ها را طرح و عملی نموده اند.

کرزی که خود دست نشانده کشورهای غربی، در رأس آن ها امریکا بوده است، چگونه می توانست بدون خواست، تمایل و توافق کشور های غربی آن وضعیت مثبتی را به بار بیاورد که آقای ارسلائی بدان اشاره دارد؟

کرزی اگر واقعاً می خواست، یا می توانست، کار مثبتی برای این ملک انجام بدهد، از همه اولتر باید با فساد در ادارات دولتی به مقابله برمی خاست.

از آقای ارسلائی باید پرسیده شود که آیا واقعاً کرزی شخصاً توانائی آوردن چنان تغییری را در کشور داشتند که او از آن یاد و بدان افتخار می کند؟

اگر کرزی چنان توانائی را داشت، چرا با استفاده از بخشی از این توانائی جلو فساد و خودسری های همکاران فاسد شان را نگرفت؟

اگر می توانست و نگرفت، آیا لازم نیست که به جای افتخار کردن به او، از کار او نقد نموده او را برای این سستی آشکار و غیرمسئولانه اش مواخذه کنیم. و اگر نمی توانست، گذشته از این که او را باید مواخذه کرد، نباید برای او افتخار تراشی کنیم. این کار بسیار غیرمسئولانه و شدیداً قابل انتقاد است!

از وجود فساد در ادارات دولتی هم نمی توانیم، هیچ یک از ما، حتی خود جناب وزیر ارشد رئیس جمهور، مگر این که به اصطلاح عوام پوست پشک را به روی خود بکشیم، انکار کنیم! آفتاب به دو انگشت پنهان نمی شود. ما هر روز شاهد انتقادات بی شماری در مورد کرزی هستیم که کرزی حتی به یکی آن هم پاسخی در خور توجه نداده است؛ چون جوابی نداشته است که بدهد!!

یکی از مسائل بسیار قابل تشویش در انتخابات دو روز قبل، این بود که این انتخابات، با همه شور و شوق و پررنگ بودن آن، با همه معجزه بودن آن، با همه امیدواری های آن، باتأسف بیشتر بر محور قوم گرایی و رقابت های قومی متمرکز بوده است.

انتخابات مذکور انتخاباتی نبود که ملت رأی خود را با درک ملی - سیاسی بلند - نه ذهنیت قومی - و بر اساس شایسته سالاری - اگر انسان شایسته ای در میان ها می بود - بدون توجه به این که شایسته ترین شخص به کدام قوم و سمت و نژاد و مذهب تعلق دارد و زبان مادری اش چیست، به صندوقی بریزد که مربوط به آن شخص شایسته باشد؛ نه مربوط به بزرگ قومش که شایستگی کمتری نسبت به دیگری دارد.

کرزی در بیشتر از دوازده سال، باوجود این که غربی ها، بنابر تربیت سیاسی شان، و تقریباً بیشتر مردم ما، خواهان ملت سازی در این کشور بودند و تلاش داشتند که روحیه قوم گرایی را که برای یک ملت واحد کشنده ترین دشمن است، در افغانستان از بین ببرند، منحصراً یک رئیس جمهور نتوانست اختلافات موجود میان برخی از اقوام را از بین ببرد.

این ناکامی کرزی را، در کنار سائر ناکامی های وی، نباید نادیده گرفت! و خیلی از حرف های دیگری را که طی این همه سال هزار بار گفته و نوشته شده است و تکرار آن شاید برای بعضی از خوانندگان ما را ملال آور باشد.

از جناب وزیر ارشد سابق کرزی خواهش داریم که از قصر بلورین چندین میلیونی خویش بیرون شده یک بار به پای دل پر درد میلیون ها انسان فقیر و درد کشیده این کشور، کسانی که به رئیس جمهور شما با امیدواری که هیچ نتیجه ای نداد، نظر دوخته بودند، بنشینید و ببینید که نظر آن ها در مورد وی چه گونه است؟!

من یقین دارم که آن وقت نظر شما بر حکم عاطفه چیز دیگری خواهد بود، نسبت بدان چه امروز به حکم "احترام به نمک" می گوئید!